

نقش هشدار در مسئولیت مدنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۲

عباس میرشکاری*

چکیده:

قواعد فقهی در کنار اصول فقه و متون فقه از موقعیتی ممتاز برخوردار هستند؛ چه در حالی که نویسندگان متون فقهی صرفاً به تبیین مسایل پرداخته و اصولیون به مسائل انتزاعی؛ نویسندگان قواعد فقهی دیدگاهی واقع‌گرایانه‌تر دارند؛ واقعیتی عینی و تجربی در برخورد با مسائل. قاعده هشدار، نیز از جمله این قواعد فقهی است که رفع مسئولیت مدنی عامل زیان را منوط به آگاهی‌سازی زیان‌دیده (از احتمال ورود زیان) می‌داند که در مقاله پیش‌رو، مورد بحث، قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: هشدار، آگاهی‌سازی، مسئولیت مدنی، ضرر، قاعده اقدام.

*. نویسنده‌مسئول؛ دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مبحث اول - شناخت قاعده

براساس قاعده هشدار، اگر عامل زیان، پیش از ورود ضرر، به زیان‌دیده محتمل، احتمال وقوع ضرر را آگاهی دهد و با این حال، اقدامی از جانب زیان‌دیده، به عمل نیاید و ضرر، محقق شود، عامل زیان مسئولیتی نخواهد داشت.^۱ در این مبحث، به معرفی منبع و مبنای این قاعده می‌پردازیم.

بند اول - منبع قاعده

عمده مستند فقهی این قاعده، قضاوت حضرت امام علی (ع) در خصوص رفع قصاص از کودکی است که در حین بازی نسبت به فعل زیانبار خود به سایر همبازی‌هایش اطلاع داد.^۲ این روایت هرچند تنها در خصوص کودکان صادر شده اما عموماً اعتقاد بر این است که در خصوص سایر موارد نیز مؤثر است. به این تعبیر که در هر مورد، هشدار، در رفع مسئولیت کارا است.^۳

بند دوم - مبنای

الف - عدم هشدار، به معنای تقصیر است؟

اگرچه این انتظار از همگان می‌رود که اقدام به اضرار (به دیگران) ننمایند، با این حال

۱. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه*، ج. ۲، چ. ۵، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۵.

۲. شیخ کلینی، *کافی*، ج. ۷، ص. ۲۹۲؛ شیخ صدوق، *علا الشرائع*، ج. ۲، ص. ۴۶۲؛ شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج. ۴، صص. ۱۰۲ - ۱۰۳؛ شریف رضی، *خصائص الأئمه*، صص. ۸۵ - ۸۶؛ حرعاملی، *وسائل الشیعة (آل البيت)*، ج. ۲۹، ص. ۶۹؛ میرزا نوری، *مستدرک الوسائل*، ج. ۱۸، ص. ۲۳۵؛ شیخ هادی نجفی، *موسوعة أحادیث أهل البيت (ع)*، ج. ۹، صص. ۱۴۲ - ۱۴۳؛ شیخ جواهری، *جواهرالکلام*، ج. ۴۳، صص. ۶۸ - ۶۹؛ سیدخوانساری، *جامع المدارک*، ج. ۷، صص. ۲۵۱ - ۲۵۲؛ محقق حلی، *تسریع الاسلام فی المسائل الحلال والحرام*، تحقیق سیدصادق شیرازی، استقلال، ۱۴۰۹ هـ، ج. ۴، ص. ۱۰۲۲.

۳. یحیی بن سعید الحلّی، *نزهة الناظر فی الجمع بین الأئمة والنظار*، صص. ۱۵۸ - ۱۵۹: «و من حذر غیره و رمی فلا قصاص علیه و لا دية لما رواه أحمد ابن محمد عن محمد بن إسماعیل بن بزيع عن محمد بن الفضیل عن أبی الصباح الكنانی عن أبی عبد الله علیه السلام قال: کان صبیان فی زمان علی علیه السلام یلعبون بأخطار لهم فرمی أحدهم بخطرته فذکر رباعیة صاحبه فرفع ذلک إلى أميرالمؤمنین علیه السلام فأقام الرامی البینة بأنه قال: حذار فأدراً أميرالمؤمنین علیه السلام القصاص ثم قال قد أعذر من حذر و هذا الخبر و إن ورد علی سبب خاص فی الصبیان فلفظه للعموم و هو قوله علیه السلام (قد أعذر من حذر) و لفظة (من) للعموم علی ما تقدم فی کتب أصول الفقه»؛ فقها در مصادیق دیگر نیز از این قاعده استفاده کرده‌اند؛ سید خوبی، *مبانی تکملة المنهاج*، ج. ۲، صص. ۲۳۱ - ۲۳۳.

این کمینه انتظار نیز وجود دارد که اگر هم فعل زیانباری به وقوع پیوست، عامل زیان، پیش از وقوع ضرر، وقوع ضرر را به آگاهی زیان دیده محتمل برساند و او را از ضرر پیش‌رو برهاند. عدم اجابت این انتظار، خروج از رفتار متعارف است؛ ترک فعلی که با عنوان تقصیر، قابل تشخیص است. این نظر طرفدارانی نیز دارد. چنانکه برخی معتقدند که «برای شخصی که محیط خطرناک و مهلکی را ایجاد نموده و یا انجام فعالیتی خطرآفرین و حساس به او واگذار شده؛ مانند مسئول معدن یا متصدی عملیات انفجار، پیش‌بینی خسارات و صدمات ناشی از سهل‌انگاری و غفلت در هشدار و اخطار به دیگران برای او کاری آسان و بدیهی است. لذا در صورت لا قیدی و بی‌توجهی وی به این مهم، عمل او مصداقی از بی‌مبالاتی محسوب شده، در صورت بروز سانحه و صدمات جانی و مالی، می‌توان او را بر اساس ماده ۶۱۶ و تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، تعقیب و محاکمه نمود»^۱. اما نکته در این است که این مبنا در صورتی به کار می‌رود که در اصل مسئولیت عامل زیان تردید بود؛ در این صورت، برای اثبات مسئولیت عامل زیان، می‌شد که عدم هشدار را به معنای تقصیر دانسته و او را مسئول بدانیم.^۲ اما در فرضی که در تحقق مسئولیت عامل زیان

۱. صباح مشهدی، حمید، «بررسی و تبیین قاعده (تخذیر یا هشدار)»، مجله دادرسی، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، ش. ۶۰، صص ۱۳ - ۱۹؛ فالاح، مهدی، «قاعده تخذیر در رویکرد فقهی و حقوقی»، مجله معرفت، مهر ۱۳۸۵، ش. ۱۰۶، صص ۱۴۷ - ۵۷.

۲. همچنان که در قراردادهای، نیز آنگاه که صحبت از لزوم اطلاع‌رسانی می‌شود، عدم اطلاع‌رسانی، خود تقصیر محسوب شده و مسئولیت فردی که در آگاهی‌بخشی، امساک ورزیده، برهمن مبنا، استوار می‌شود. توضیح بیشتر آنکه؛ آنچه در متن مورد بحث قرار می‌گیرد، فرضی است که قراردادی میان عامل زیان و زیان‌دیده وجود ندارد؛ با این حال، تعهد به اطلاع‌رسانی، در حوزه قراردادهای، نیز قابل طرح است. چنانکه این اعتقاد وجود دارد که وقتی يك طرف عقد از قدرت اطلاعاتی بیشتری نسبت به طرف دیگر برخوردار است، حق ندارد از ارائه اطلاعات به طرف دیگر خودداری کند و با استفاده از همین قدرت اطلاعاتی درصدد تحمیل شرایط به طرف دیگر باشد (Cheshire, Fifoot, & Furmston, Law of Contract, Fifteenth Edition, Oxford, 2007)؛ در همین راستا، تعهدی به دوش فرد مطلع قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، طرفی که به علت دسترسی به اطلاعاتی در مورد موضوع قرارداد و چگونگی به‌کارگیری آن و همچنین در مورد شرایط انعقاد قرارداد و اجرای آن از آگاهی بیشتری نسبت به طرف مقابل برخوردار بوده و به همین جهت دارای موضعی برتر در زمینه‌های مزبور می‌گردد، ملزم خواهد بود طرف دیگر را نسبت به اطلاعات مورد نیاز او در زمینه مطالب یادشده آگاه سازد؛ در کتب فقهی هم این مسئله در خیار عیب مطرح شده است. معمولاً هم اعتقاد بر این است که اگر مشتری از عیب مبیع مطلع نباشد، در حالی که بایع از آن آگاه است بایع وظیفه دارد ۱۱

تردید نباشد؛ در این صورت، عدم هشدار، شرط تحقق مسئولیت نیست؛ بلکه این «هشدار» است که مانعی برای تحقق مسئولیت خواهد بود.

ب - قاعده اقدام

اگرچه تکلیف به «عدم ایراد ضرر به غیر» به عنوان تکلیفی عام در نظر گرفته می‌شود اما با این حال، این نکته نیز امری پذیرفته شده است که زیان دیده باید به نحوی اقدام نماید که خسارات وارده به خود را دفع کند یا به حداقل برساند. در واقع، فرد خسارت دیده با عدم رفع یا دفع خسارت از خود، به ضرر خویش عمل کرده لذا نمی‌تواند خواستار جبران

که مشتری را آگاه نماید. در دروس شهید اول می‌خوانیم (ج. ۳، ص. ۲۸۷): «يجب على البایع الاعلام بالعيب الخفی على المشتري ان علمه البایع لتحريم الغش»؛ (در مقام بیان مبنای این نظر به روایتی نیز استناد شده است: ر.ک: علی بن بابویه، *فقه الرضا*، ص. ۲۵۰؛ شیخ صدوق، *الهدایه*، ص. ۳۱۳) صاحب جواهر هم به دلیل غش و تدلیس اعلام عیوب مخفی را واجب دانسته است؛ نجفی، (صاحب الجواهر)، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج. ۲۳، ص. ۲۴۶، دار إحياء التراث العربی، ج. ۷، بیروت؛ «و مقتضی هذه الروایه ... انه لا یشرط فی حرمه الغش کونه مما لا یعرف الا من قبل البایع فیجب الاعلام بالعيب غیر الخفی الا ان تنزل الحرمة ... علی ما اذا تعمد الغش برجاء التلبس علی المشتري و عدم التفطن له فقصر المشتري و سامح فی الملاحظه ثم ان غش المسلم انما هو بیع المغشوش علیه مع جهله»؛ علامه حلی در قواعد الاحکام (ج. ۲، ص. ۱۷۴) بدون توجه به علم یا جهل مشتری می‌نویسد: «بینغی اعلام المشتري بالعيب او التبروء مفصلاً»؛ در حقوق کامن لا با توجه به مفاهیمی نظیر آزادی قراردادی و برابری قدرت متعاملین، اصل بر عدم تعهد متعاقدين به ارائه اطلاعات است؛ با این حال استثنائاتی بر این اصل وارد آمده است:

Paul h.richards, law of contract , pitman publishing, fourth edition , 1999,p167, Law of contract , janet o Sullivan & gonathan Hilliard , second edition , oxford ,2006,Edward j .murphy , kichard e. speidel , the foundation press ,1991 fourth edition p932,SIR William r. abson , principles of the English law of contract , nineteenth edition , oxford , 1947,p. 175.

برخی از نویسندگان نیز اظهار عقیده کرده‌اند که در قراردادی که یکی از طرفین از اطلاعاتی برخوردار است که برای دیگری قابل دسترسی نیست، ملزم است که هر چیزی را که حتی محتمل است که بر عقیده دیگری مؤثر باشد بیان دارد.

Law of contract , janet o Sullivan & gonathan Hilliard , second edition , oxford ,2006, P.212.

در حقوق ایران «... سکوت فروشنده درباره عیب آشکار مبیع تدلیس نمی‌باشد؛ زیرا در قرارداد حفظ مصلحت هر طرف به عهده خود اوست و از هیچ‌کس نمی‌توان انتظار داشت که تمام اطلاعات مربوط به مزایا و عیوب کالایی را در اختیار طرف خود قرار دهد. ولی در حالتی که عیب پنهان است و با واری می‌تعارف نمی‌توان به آن پی برد، این تکلیف اخلاقی وجود دارد که عیب پنهان بیان شود.»؛ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج. ۵، ص. ۳۳۰.

خسارت خود شود. این تکلیف که در متون فقهی با عنوان قاعده اقدام یاد می‌شود،^۱ می‌تواند به‌عنوان مبنای قاعده مورد بحث تحلیل شود. توضیح بیشتر آنکه؛ فردی که به‌رغم هشدار عامل زیان و اطلاع از آن، با این حال، از موقعیت خطرناک خود اجتناب ننموده است، در واقع، به ضرر خویش «اقدام» کرده؛ لذا از این جهت نمی‌تواند خواهان جبران خسارت وارد به خود شود. به این ترتیب، قاعده تحذیر بیش از آنکه به‌عنوان قاعده‌ای مستقل قابل طرح باشد، خود از مصادیق قاعده اقدام قرار می‌گیرد.

مبحث دوم: شرایط قاعده

بند اول: هشدار

هشدار، مفهومی موضوعی است که با توجه به شرایط هر پرونده، مصادیق مختلفی می‌یابد. چنانکه در قضاوت حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع)، حذر در قالب فریاد یکی از خردسالان، تشخیص داده شد.^۲ بنابراین دلیلی برای تحدید هشدار به شکلی خاص وجود ندارد و شناخت آن را باید به عرف واگذار. در حقوق موضوعه نیز می‌توان مصادیقی از شیوه هشدار دید. چنانکه در ماده ۲۷ لایحه قانونی حفاظت فنی، مصوب ۱۳۳۶/۱/۱۱ آمده است: «کلیه کارگاه‌ها باید با وسایل کافی اعلام خطر مجهز شوند، به طوری که وقوف بر آن در همه جای محوطه کار مقدور گردد.» به‌هرروی، در تشخیص کفایت هشدار، باید مکان، زمان، هشداردهنده، هشدارگیرنده و البته موضوع خطر در نظر گرفته شود.

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا لازم است کسی که خود انجام‌دهنده فعل زیانبار است، نسبت به انجام هشدار اقدام نماید یا آنکه اگر ثالثی نیز با اطلاع از موقعیت زیانبار به زیان دیده محتمل اطلاع دهد از عامل زیان رفع مسئولیت خواهد شد؟ اگرچه عمدتاً در متون فقهی، به فرضی اشاره شده است که عامل زیان و هشداردهنده، یک

۱. برای دیدن مصادیقی از اجرای این قاعده در فقه؛ ر.ک: طهوری، شیخ صادق، ج. ۲، ص. ۶۱۸ (در خیار غبن)؛ سید خوبی، مصباح الفقاهه، ج. ۷، ص. ۷۵ (در غرر)؛ نائینی، مکاسب و البیع، ج. ۲، ص. ۱۴۴ (در معامله فضولی)؛ محقق بحرانی، الحدائق الناضرة، ج. ۲۲، ص. ۳۴۰ (در هبه).

۲. «ولو ثبت أنه قال: حذار! لم یضمن»؛ محقق حلی، شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، تحقیق شیرازی، سیدصادق، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ ق، ج. ۴، ص. ۱۰۲۲.

شخص هستند یعنی عامل زیان، همان هشداردهنده است^۱ با این حال، برای نتیجه‌گیری دقیق‌تر، بهتر است به مبانی قاعده هشدار توجه کنیم. توضیح آن که اگر عدم هشدار به معنای خروج از رفتار متعارف و تقصیر قلمداد شود، در این صورت، تنها هشدار از جانب عامل زیان است که می‌تواند در رفع مسئولیت مؤثر واقع شود اما اگر عدم توجه به هشدار را به معنای اقدام زیان‌دیده به زیان خود ببینیم، فرقی نمی‌کند که هشدار از جانب عامل زیان صورت گرفته باشد یا شخص ثالثی؛ بلکه آنچه مهم است بی‌توجهی زیان‌دیده به هشدار است. با توجه به این که به‌نظر نگارنده، هشدار از آن جهت که مورد بی‌توجهی زیان‌دیده قرار می‌گیرد، در رفع مسئولیت عامل زیان، مؤثر است (قاعده اقدام)؛ بنابراین، اگر عامل هشدار، شخصی غیر از زیان‌دیده باشد نیز در رفع مسئولیت عامل زیان مؤثر خواهد شد. این نکته از یکی از احکام قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸) نیز قابل استنباط است. توضیح آن که براساس ماده ۲۶ این قانون: «در راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است عابران مکلف‌اند هنگام عبور از عرض یا طول سواره‌رو با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل از نقاط خط‌کشی‌شده، گذرگاه‌های غیرهمسطح و مسیرهای ویژه استفاده نمایند هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل نمایند، در صورت تصادف با وسیله نقلیه، راننده مشروط به این که کلیه مقررات را رعایت نموده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسئولیتی نخواهد داشت...». ملاحظه می‌شود که با آن که هشدار [قانونی است و] از جانب شخص ثالث (اداره راهنمایی و رانندگی)، صورت گرفته، مسئولیت راننده، مرتفع می‌شود.

بند دوم: وقوع ضرر یا فعل زیانبار بعد از هشدار

همان‌طور که می‌دانیم میان انجام فعل زیانبار و وقوع ضرر معمولاً فاصله وجود دارد.

۱. «و اذا مرّ رجل بين الرماء و بين الغرض فاصابه سهم و قد حدّره الرامى لم يضمن، و ان لم يحدّره و كان فى ملكه قد دخل عليه بغير اذنه فكذلك، و ان دخل عليه باذنه او كان فى غير ملكه و لم يحدّره كانت ديتة على عاقلته.»؛ عمادالدين المعروف الطوسى (ابن حمزه)، *الوسيلة الى نيل الفضيلة*، تحقيق محمد الحسون، قم، مكتبة السيد المرعشى، ۱۴۰۸ هـ ق، ص. ۴۲۵؛ ابن ادریس حلی، *السرائر*، قم، مؤسسة النشر الاسلاميه، ۱۴۱۰، ج. ۳، ص. ۳۶۲؛ فاضل الآبى (زين الدين يوسفى)، *كشف الرموز فى شرح المختصر المنافع*، تحقيق اشتهاردى و يزدى، قم، جامعة المدرّسين، ۱۴۱۰ هـ ق، ج. ۳، ص. ۶۱۷.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که برای آنکه هشدار سبب رفع مسئولیت از فرد شود آیا لازم است پیش از وقوع فعل زیانبار انجام شود یا آنکه صرف هشدار پیش از وقوع ضرر نیز کارا است؟ از ظاهر برخی از نظرهای فقیهان می‌توان چنین برداشت نمود که آنچه مهم است انجام هشدار پیش از وقوع ضرر است نه فعل زیانبار.^۱ در واقعه‌ای که هم در مورد آن قضاوت شد، هشدار بعد وقوع فعل و پیش از وقوع ضرر انجام شده بود.^۲ اما به هرروی، همان‌طور که در بند چهارم همین مبحث، خواهیم دید، هشدار در زمانی می‌تواند کارساز باشد که زیان دیده فرصت کافی برای فرار از موقعیت ضرر بار داشته باشد. بنابراین، بیش از آنکه موضوع فوق مهم باشد، باید به امکان فرار زیان دیده از ضرر توجه کرد.

بند سوم: اطلاع از هشدار

بدیهی است صرف هشدار دادن از سوی عامل زیان نمی‌تواند عاملی موجه در رفع مسئولیت وی باشد؛^۳ بلکه منطقی است که زیان دیده از مفاد هشدار مطلع شود. برای همین، در متون فقهی به لزوم شنیدن هشدار عامل زیان توسط زیان دیده تصریح کرده‌اند.^۴ حال، اگر هر انسان متعارفی از هشدار مطلع شود اما به دلیل وضعیتی که زیان دیده دچار آن بوده، نتواند از هشدار، آگاه شود، آیا عامل زیان، همچنان مسئول خواهد بود یا خیر؟ برخی از فقها، به استناد اطلاق روایت اصل برائت و این نکته که در موضوع مورد بحث،

۱. ر.ک.: حلی، أبوالصلاح، *کافی فی التکلیف*، (الکافی؛ به کوشش رضا استادی)، مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع)، اصفهان، ص. ۴۰۳: «و لا ضمان علی من حذر، و لادیه و لاقیمه و لا اُرش لما یهلک بعد تحذیره.»

۲. شیخ طوسی، *نهایه*، ص. ۷۵۵.

۳. بنابراین در اطلاق کلام برخی از فقها باید تأمل کرد: «ولو قال الرامی: حذار! فلا ضمان» (اگر رامی هشدار داده باشد مسئولیتی متوجهش نیست)؛ شهید اول، (محمّد مکی عاملی)، *لمعة دمشقیة*، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص. ۲۶۳.

۴. علامه حلی، *تحریر الاحکام*، ج. ۵، صص. ۵۳۴ - ۵۳۵: «إذ مر بین الرماة، فأصابه سهم فالذیة علی عاقلة الرامی، و لو ثبت أنه قال: حذار، فلا ضمان مع السماع»؛ شهید ثانی، *شرح اللمعة*، ج. ۱۰، ص. ۱۲۰: «(فلا ضمان) مع سماع المجنی علیه»؛ شیخ جواهری، *جواهر الکلام*، ج. ۴۳، صص. ۶۸ - ۶۹؛ علامه حلی (حسن بن یوسف)، *قواعد الاحکام*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ.ق، ج. ۳، ص. ۶۵۲: «و لو ثبت أنه قال: حذار! لم یضمن ان سماع المرمی و لم یعدل مع امکانه»؛ حلی، *ایضاح الفوائد*، ص. ۶۵۹.

عذر از جانب زیان دیده است نه عامل زیان، مسئولیت عامل زیان را منتفی دانسته‌اند. چنانکه برخی از فقها، حتی در زمانی که مصدوم مشکل شنوایی دارد باز هم هشداردهنده را ضامن ندانسته‌اند.^۱ اما حقیقت آن است که دلیل واقعی رفع مسئولیت از عامل زیانی که هشدار داده است، اقدام زیان دیده به زیان خود است؛ حال، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان این مبنا را در خصوص فردی جاری ساخت که از هشدار، مطلع نشده است؟ بنابراین به نظر می‌رسد؛ تنها هشدار، کافی نبوده و می‌باید اطلاع زیان دیده را نیز از مفاد هشدار، شرط دانست.^۲ با این حال، از احکام برخی مقررات خاص، این گونه برمی‌آید که کافی است که هشدار، به نحوی باشد که نوعاً، اطلاع از آن میسر باشد. چنانکه در ماده ۲۳ آیین‌نامه علایم ایمنی در کارگاه‌ها^۳ می‌خوانیم: «کلیه تابلوهای علایم ایمنی باید در محلی نصب شوند که در هر موقع از شبانه‌روز برای کارگران و افراد در معرض خطر، به سهولت قابل دید باشند.»^۴

بند چهارم: امکان فرار از موقعیت خطرناک

در صورتی که هشدار توسط عامل زیان داده شود و زیان دیده نیز از آن مطلع شود اما

۱. «من قال: حذار! لم یضمن. فلو فرض ان المقول له كانت به آفة فلم یسمع و القائل لم یعلم بالآفة فما الحكم؟ أفتنا - رحمک الله - الجواب: «لا ضمان هذا، علی اقوی الاحتمالین لعموم من قال حذار لم یضمن ولاصالة البرائة و لان العذر من المجنی علیه.»؛ ابن فهد حلی، *الرسائل العشر*، تحقیق سیدمهدی روحانی، قم، مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق، ص. ۳۹؛ شهید ثانی، *الروضه البهیة فی شرح اللعة الدمشقیه*، تحقیق محمّد کلانتر، قم، داوری، ۱۴۱۰ هـ، ج. ۱۰، ص ۱۲۰؛ محقق اردبیلی، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح الاذهان*، تحقیق اشتهدادی و عراقی و یزدی، قم، جامعه المدرّسین، ۱۴۰۴ هـ، ج. ۱۴، ص. ۲۴۳؛ شیخ حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، تحقیق محمّد رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج. ۲۹، ص. ۶۹؛ سیدابوالقاسم موسوی الخوئی، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، دارالهادی، ۱۳۹۶ ق، ج. ۲، ص. ۲۳۲.

۲. علامه حلی (حسن بن یوسف)، *قواعد الاحکام*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ، ج. ۳، ص. ۶۵۲: «و لو ثبت انه قال: حذار! لم یضمن ان سمع المرمی و لم یعدل مع امکانه.»

۳. این آیین‌نامه مشتمل بر ۶۰ ماده و ۱۸ تبصره و به استناد مواد ۸۵ و ۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۵/۳۱ شورای عالی حفاظت فنی مورد تأیید و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۵ به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است.

۴. ماده (۷۷) آیین‌نامه و مقررات حفاظت در مقابل خطر پرتوهای یون‌ساز: «کلیه کارگاه‌ها باید متناسب با نوع عملیاتی که در آنها انجام می‌شود، به وسیله علائم خطری که به آسانی قابل تشخیص باشد، مشخص گردند.»

امکان فرار از موقعیت خطرناک را نداشته باشد آیا همچنان می‌توان به صرف هشدار، عامل زیان را از مسئولیت معاف دانست؟ برخی از فقها، بر این اعتقادند که هشدار باید در زمانی داده شود که امکان رهایی فرد وجود داشته باشد؛ در غیراین صورت، مسئولیت عامل زیان باقی خواهد بود.^۱ در این خصوص نیز باید به شرایط خاص گیرنده هشدار (از حیث توانایی جسمی و عقلی)، موقعیت وی و میزان زمان در اختیار وی توجه کرده و متناسب با این شرایط امکان یا عدم امکان دور شدن وی از صحنه خطر و اجتناب از آن را سنجید. تأکید می‌شود؛ در حقوق امروز نیز ماده ۲۶ آیین‌نامه علایم ایمنی در کارگاه‌ها مقرر می‌دارد: «تابلوهای علایم ایمنی باید تا حد ممکن نزدیک به خطرات مربوطه و در فاصله مشاهده ایمن نصب گردند، به نحوی که مخاطب فرصت انجام عکس‌العمل و اقدام مناسب را داشته باشد.» و در ماده ۲۸ همان آیین‌نامه نیز مقرر شده است: «تابلوهای علایم ایمنی بایستی در معابر و گذرگاه‌های منتهی به محل خطر به‌طور مطمئن نصب شوند تا افراد قبل از ورود به محل خطرناک و مواجهه با آن از وجود خطر احتمالی مطلع شده و اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه را به انجام رسانند.»

مبحث سوم: آثار قاعده

هرچند در روایات تنها از نفی «قصاص» سخن گفته شده است^۲ اما در تفاسیر فقهی، مراد معصوم (ع) از نفی قصاص، نفی «دیه» و «ارش» نیز دانسته شده است.^۳ البته اگرچه

۱. شهیدثانی، شرح اللمعه، ج. ۱۰، ص. ۱۲۰: «و لو لم یقل: حذار، أو قالها فی وقت لا یتمکن المرمی من الحذر، أو لم یسمع فالذیة علی عاقلة الرامی»؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائده، ج. ۱۴، صص. ۲۴۳ - ۲۴۵: «ولکن هذا إنما یكون إذا لم یکن حذر الرامی ذلک الشخص بأن قال: احذر و نحوه أو حذره ولكن ما سمعه أو سمع المقتول ولكن ما تمکن من الحذر وقت السماع. و إن تمکن فلیس علی عاقلة الرامی شیء ایضا، لأنه قد حذر و كان المقتول متمکنا فصار معذورا.»؛ فاضل هندی، کشف اللتام، ج. ۱۱، ص. ۲۵۲: «و لو ثبت أنه قال: حذار، لم یضمن إن لم یقصد و سمع المرمی و لم یعدل عن الطریق مع امکانه و کماله بالعقل و البلوغ»؛ طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، ج. ۱۴، ص. ۱۱۶.

۲. قاضی ابن براج، مذهب، ج. ۲، ص. ۵۱۵.

۳. أبوالصلاح حلبی، کافی حلبی، ص. ۴۰۳: «و لاضمان علی منحذر، و لا ذیة و لا قیمة و لا ارش لمایهلك بعد تحذیره»؛ عمادالدین المعروف الطوسی، التهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم، دارالاندلس، ص. ۷۵۵؛ قاضی ابن براج، مذهب، ج. ۲، ص. ۵۱۵؛ حلبی، ابن ادریس، سوانر، ج. ۳، ص. ۳۶۲؛ محقق حلبی، شرائع الإسلام، ج. ۴، ص. ۱۰۲۲؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائده، ج. ۱۴، شرح ۲۴۳ - ۲۴۵: «و قبل عذره فصار معذورا فی الشرع فلا یقتضی فعله الذیة علی عاقلته ایضا لو قتل به شخص»؛ مروارید، علی أصغر، النیایع الفقهیه، ج. ۲۴، ص. ۱۰۳.

با توجه به این که در حقوق امروز، مسئولیت مدنی از مسئولیت کیفری مستقل شده و از یکدیگر، تبعیت نمی‌کند، پذیرفتن این نظر، دشوار است؛ با این حال، در حقوق امروز، نیز، مصادیقی از نفی مسئولیت مدنی می‌توان سراغ گرفت. برای مثال، براساس ماده ۹۵ ق.ک.؛ «مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار بر عهده کارفرما یا مسئولیت واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵ این قانون خواهد بود. هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولیت واحد حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسئول است.» از طرف دیگر، به موجب ماده ۵۴ آیین‌نامه علائم؛ «کلیه کارگران موظف به حفظ و نگهداری از علائم ایمنی تهیه شده توسط کارفرما در حیطه وظایف و مسئولیت‌های خویش می‌باشند.» حال اگر کارفرما برای حفاظت فنی و بهداشت کار وسایل و امکانات لازم از جمله علائم ایمنی و هشدار را در اختیار کارگر قرار داده باشد و کارگر با وجود آموزش‌های لازم و تذکرات قبلی، بدون توجه به دستورالعمل و مقررات جاری، از آن‌ها استفاده ننماید، به موجب تبصره ۲ ماده ۸۵ ق.ک.، کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اشخاصی که به تبع مسئول اصلی، دچار مسئولیت می‌شوند نیز همچنان مسئولیت خواهند داشت و یا آن که مسئولیت آن‌ها نیز منتفی است. در فقه، این مسئله در خصوص عاقله مورد بحث واقع شده و عمدتاً هم این اعتقاد وجود دارد که با رفع مسئولیت از مسئول اصلی (برای مثال، اطفال) مسئولیت آن‌ها نیز منتفی خواهد شد.^۱ در خصوص بیمه نیز می‌توان به حکم ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی اشاره کرد. براساس این ماده؛ «در راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است عابران مکلف‌اند هنگام عبور از عرض یا طول

۱. شیخ جواهری، جواهرالکلام، ج. ۴۳، صص. ۶۸ - ۶۹. «و اذا مرَّ رجل بين الرماء و بين الغرض فاصابه سهم و قد حدَّره الرامی لم یضمن، و ان لم یحدَّره و كان فی ملكه قد دخل علیه بغير اذنه فکذلک، و ان دخل علیه باذنه او كان فی غیر ملكه و لم یحدَّره كانت دیتة علی عاقلته.» عمادالدین المعروف الطوسی (ابن حمزه)، الوسيلة الی نیل الفضیلة، تحقیق محمد الحسون، قم، مکتبة السید المرعشی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص. ۴۲۵.

سواره‌رو با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی منصوبه در محل از نقاط خط‌کشی شده، گذرگاه‌های غیرهمسطح و مسیرهای ویژه استفاده نمایند. هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل ننمایند، در صورت تصادف با وسیله نقلیه، راننده مشروط به این که کلیه مقررات را رعایت نموده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسئولیتی نخواهد داشت. عدم مسئولیت راننده مانع استفاده مصدوم یا وراث متوفی از مزایای بیمه نخواهد شد و شرکت بیمه با ارائه قرار منع تعقیب یا حکم برائت راننده ملزم به اجرای تعهدات موضوع بیمه‌نامه به مصدوم یا وراث متوفی خواهد بود. چنانچه وسیله نقلیه بیمه نباشد، دیه عابر از صندوق موضوع قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ پرداخت می‌شود...» به این ترتیب و به‌رغم رفع مسئولیت از عامل زیان، بیمه همچنان متعهد به جبران خسارت خواهد بود.

نتیجه:

پذیرفتن صرف هشدار، به‌عنوان قاعده‌ای مستقل برای رفع مسئولیت مدنی هشداردهنده، دشوار است؛ در این مقاله، نیز در همین مسیر، به قاعده فوق نگریسته و از آن، نه به‌عنوان قاعده‌ای مستقل؛ بلکه به‌عنوان فرعی بر قاعده اقدام، یاد شد.

منابع:

الف - فارسی:

۱. صباح مشهدی، حمید، «بررسی و تبیین قاعده: (تحدیر یا هشدار)»، مجله دادرسی، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، ش. ۶۰.
۲. فلاح، مهدی، «قاعده تحدیر در رویکرد فقهی و حقوقی»، مجله معرفت، مهر ۱۳۸۵، ش. ۱۰۶.
۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج. ۵، شرکت سهامی انتشار، چ. ۶، ۱۳۸۳.
۴. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، ج. ۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، ج. ۲.

ب - عربی:

۱. الآبی، فاضل، کشف الرموز فی شرح المختصر المنافع، تحقیق اشتهااردی و یزدی، قم، جامعة المدرّسین، ۱۴۱۰ هـ، ج. ۳.
۲. قاضی ابن براج، المهدب، ج. ۲، علمیه، بی تا.
۳. ابن حمزه، الوسيلة الی نیل الفضیله، تحقیق محمد الحسون، قم، مکتبة السید المرعشی، ۱۴۰۸.
۴. اردبیلی، محقق، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح الاذهان، تحقیق اشتهااردی و عراقی و یزدی، قم، جامعة المدرّسین، ۱۴۰۴ هـ، ج. ۱۴.
۵. حلّی، ابن ادريس، السرائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامیه، ۱۴۱۰، ج. ۳.
۶. حلّی، ابن فهد، الرسائل العشر، تحقیق سیدمهدی روحانی، قم، مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ هـ.
۷. حلّی، علامه، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامیه، قم، مؤسسة النشر الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ، ج. ۳.

۸. حلی، محقق، *شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام*، تحقیق سیدصادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ هـ.ق.، ج. ۴.
۹. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج. ۴، مؤسسه اسماعیلیان، چ. ۲، ۱۴۰۸ هـ.ق..
۱۰. خوانساری، *جامع المدارک*، ج. ۷، مکتبه صدوق، چ. ۲، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۱۱. شریف رضی، *خصائص الانمّه*، تحقیق محمّدهادی امینی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۱۲. شهید اول، *لمعه دمشقیه*، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۳. شهید ثانی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیه*، تحقیق محمّد کلانتر، قم، داوری، ۱۴۱۰ هـ.ق.، ج. ۱۰.
۱۴. طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل*، ج. ۱۴، مؤسسه نشر اسلامی، چ. اول، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۱۵. طوسی، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، قم، دارالاندلس.
۱۶. عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، تحقیق محمّد رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج. ۲۹.
۱۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج. ۷، دارالکتب الإسلامیه، چ. ۴، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۸. مفید، *المقنعه*، چ. ۲، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۹. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، دارالهادی، ۱۳۹۶ هـ.ق.، ج. ۲.
۲۰. نوری، میرزا، *مستدرک الوسائل*، ج. ۱۸، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث، چ. ۲، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۱. نجفی، شیخ هادی، *موسوعة أحادیث أهل البيت (ع)*، ج. ۹.
۲۲. نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج. ۲۳، داراحیاء التراث العربی، چ. ۷.